

برداشتهای مختلف از تقریب مذاهب اسلامی*

محمدطاهر اقبالی**

چکیده

نظر به شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام در چند قرن اخیر، توجه به وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی اندیشمندان مسلمان شده است. در این میان، رویکردهای متفاوت اندیشوران وحدت‌نگر و تقریب‌گرا خود یکی از اساسی‌ترین موضوعات قابل بحث در عرصه مباحث تقریبی تلقی می‌شود. با توجه به این مهم، در این پژوهش، رویکردهای مختلف منادیان تقریب به تقریب مذاهب اسلامی در قالب دیدگاه‌های سیاسی، تبیینی و تفکیکی مورد بحث قرار گرفته و رویکردهای تبیینی و تفکیکی به عنوان مکمل یکدیگر از جمله بهترین برداشتهای از تقریب مذاهب اسلامی و مهم‌ترین راهکار تقریب پذیرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: تقریب مذاهب اسلامی، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام، شیعه، سنی.

تاریخ تأیید: ۸۶/۱۰/۱۱

* تاریخ دریافت: ۸۶/۰۸/۱۰

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کلام اسلامی، افغانستان.

مقدمه

با تأکید اسلام بر وحدت و اخوت اسلامی و انسانی، مجموعه شرایط به وجود آمده و وجود عوامل متعدد موجب گردید که با گذشت زمان، اندیشه‌هایی در میان مسلمانان به عنوان مذاهب رواج پیدا کند. گرچه امروزه مسلمانان اشتراکات عقیدتی و فقهی فراوانی دارند، لیکن تفاوت در برخی امور منجر به اختلاف و درگیری می‌شود. اندیشه تقریب مذاهب اسلامی در این عرصه شکل گرفت و این مقاله در صدد تبیین برداشتهای گوناگون اندیشمندان مسلمان، از تقریب مذاهب اسلامی است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت تقریب مذاهب اسلامی و ضرورت طرح مباحث تقریبی جای تردید نیست، به ویژه در شرایط کنونی که از یک طرف اختلافات مذهبی و فرقه‌ای و تعصبات ناشی از آنها، گروه‌ها و فرقه‌های جدید افراطی را به دنیای اسلام تحمیل کرده، و در پی آن ترور شخصیت عالمان و پیشوایان مذاهب اسلامی را به دنبال داشته و جهان اسلام را ناامن کرده است و از طرف دیگر، تقریب مذاهب اسلامی در تحولات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نقش ویژه دارد.^۱

طهری

برداشت‌های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی

انحطاط و عقب‌ماندگی داخلی و هجوم گسترده و همه جانبه استعمار غربی به جهان اسلام در قرون اخیر، دو مسئله محوری و عمده، با ابعاد و آثار فکری، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی بود که گروه‌های گوناگون جوامع مسلمان اعم از سیاستمداران، روشنفکران، متفکران و مصلحان را به واکنش واداشت.

از این رو، رویکرد احیا و تجدید حیات اسلام و بیداری مسلمانان و یا بازسازی تفکر دینی، با طرح اتحاد اسلامی و تقریب مذاهب، در دو سه قرن اخیر از طرف رهبران، مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام به منظور حل و رفع مسئله عقب‌ماندگی و انحطاط داخلی و نیز برخورد با هجوم فرهنگ و تمدن غرب دنبال شد.^۲

وحدت و تقریب مذاهب اسلامی^۳ که از آرزوهای دیرینه متفکران و مصلحان مسلمان بود و در مسیر احیای تفکر دینی و جلوگیری از تشتت درونی و هجوم بیرونی فرهنگ غرب شکل گرفته بود، هنوز به صورت ایده‌آل در جهان اسلام به وجود نیامده است. شاید یکی از مشکلات فراروی عملی شدن این طرح، تفسیرها و برداشتهای گوناگونی است که از وحدت و تقریب مذاهب اسلامی به عمل می‌آید.

۱- رویکرد سیاست‌گرا

برخی از متفکران و مصلحان مسلمان به دلیل شرایط خاصی که در جهان اسلام حاکم بود، بسیاری از فعالیتها و تلاشهایشان را بر محور ویژه و خاصی متمرکز نموده و بر آن تأکید ورزیده‌اند. یکی از این محورها، مسئله سیاست است که توجه آنان را به خود جلب کرده است. صاحبان رویکرد سیاست‌جویانه تلاش کرده‌اند تا در اثر تشکیل اتحاد حاکمان و حکومت‌های کشورهای اسلامی، سد و دژ محکم و نیرومندی را در قبال هجوم استعمارگران غربی ایجاد نمایند و مجد و عظمت اسلام و مسلمانان را احیا کنند.

۱-۱- سیدجمال‌الدین

نخستین^۴ شخصیتی که ضرورت و همبستگی میان مسلمانان را احساس کرد و ندای اتحاد در برابر استعمارگران و پیکره پاره‌پاره جهان اسلام سر داد، سیدجمال‌الدین بود. او در روزگاری می‌زیست که عزت و شوکت و اقتدار مسلمانان نابود شده بود و ثروت و امکانات و منابع مسلمانان به تاراج می‌رفت. در آن عصر اختلافات فرقه‌ای نیرو و توان سیاسی، نظامی و فرهنگی مسلمانان را در کشورهای اسلامی بلعیده بود و ابرهای تیره تفرقه و تشتت، گرمای اتحاد و همبستگی را از گستره سرزمینهای اسلامی ربوده بود.

سازمان مغز و اندیشه خود را به تشخیص درد اصلی شرق و جست‌وجوی درمان آن اختصاص داد. دریافتیم که کشنده‌ترین درد شرق، جدایی افراد آن از یکدیگر و پراکندگی اندیشه‌های آنان و اختلافشان بر سر اتحاد و اتحادشان در اختلاف است. پس در راه وحدت عقیده و بیدار کردن آنان نسبت به خطر غربی که ایشان را فرا گرفته دست به عمل زد.

سیدجمال‌الدین حسینی فعالیت‌های خود را در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی آغاز کرد، ولی با توجه به شواهد موجود و اوضاع سیاسی عصرش، ثقل تلاشهایش را مسائل سیاسی قرار داد و برای اتحاد حکومت‌های اسلامی، به صورت مداوم خدمت کرد. وی پس از آنکه به کشورهای بزرگ اسلامی سفر کرد و از نزدیک اوضاع رقت‌بار مسلمانان را مشاهده نمود، برنامه‌های اصلاحی خویش را آغاز کرد. ولی هرگامی که در راه اصلاح جامعه مسلمانان بر می‌داشت، با کارشکنی و مداخله بیگانگان مواجه می‌گردید. از این رو، مبارزه با استعمار اروپا را وجهه همت خود ساخت و برای این مقصود، بسیج و وحدت همه نیروهای مسلمان را عملی ضروری می‌شمرد. به همین جهت، اتحاد اسلامی را در رأس برنامه‌های انجمن حزب الوطنی در مصر قرار داد.^۵

با توجه به شرایط زمانی سیدجمال‌الدین در حد یک فرض، می‌توان مدعی شد که وحدت‌خواهی وی، نوعی تقریب مصلحت‌گرا و کارکردی است. زیرا در این رویکرد وحدت‌طلبی،

بیشترین عوامل متحد کننده، منافع و اهداف مشترک‌اند، که باعث می‌شوند اختلافات به حداقل برسند و مصالح مشترکی هرچند مقطعی آرمانی‌تر جلوه کنند.

دیدگاه‌های دیگر نیز در باب وحدت و تقریب مذاهب با رویکرد سیاسی،^۷ نظیر اتحاد جماهیر اسلامی، وحدت رهبری یا شورای رهبری، اتحادیه دولتهای اسلامی، پیمانها و قراردادهای تعاون کشورهای اسلامی مطرح شده‌اند، که اکثر آنها در واکنش به تحولات سیاسی، فرهنگی و نظامی غرب در جهان اسلام، شکل گرفته است.

۲- رویکرد تبیین‌گرا

۲-۱- شیخ عبدالمجید سلیم

عبدالمجید سلیم، رئیس اسبق دانشگاه الازهر و نایب رئیس دارالتقریب اسلامی، از منادیان خستگی‌ناپذیر تقریب مذاهب اسلامی به شمار می‌آید. نقش وی در توضیح حقایق و شناساندن مذهب شیعه در جهان اسلام در اثر گفت‌وگوی مذهبی با شرف‌الدین بر هیچ مسلمان منصفی پوشیده نیست. پرسشهای جست‌وجوگرانه و حقیقت‌جویانه او سبب گردید تا شرف‌الدین پاسخهای حق‌شناسانه، عالمانه و روشن‌بینانه را پیرامون «رهبری مذهبی و رهبری عمومی» مطرح کند، و *المراجعات* را برای همه مسلمانان حقیقت‌جو و تکاپوگر به یادگار بگذارد.

من اکنون در کنار دریای بی‌کران علم تو ایستاده‌ام؛ اجازه می‌خواهم که خود را در امواج آن اندازم و فرو روم و از دُرهای گرانبهای آن به دست آورم؛ اگر اجازه دهی در مطالب غامض و مشکلاتی که مدتهاست در سینه‌ام خلجان می‌کنند غوص کنم. من پی‌گمشده‌ای می‌گردم و برای دریافتن حقیقتی بحث می‌کنم؛ اگر «حق» آشکار گردید که باید از آن تبعیت نمود.^۸

ایشان برای روشن کردن حقایق تنها به بحث علمی با شرف‌الدین بسنده نکرده، بلکه کتابها، مقاله‌ها و نامه‌های فراوانی را در این زمینه به رشته تحریر در آورده است.^۹ یکی از مهم‌ترین کارهای تقریبی عبدالمجید سلیم درباره معرفی و تبیین معارف شیعه، چاپ و انتشار کتاب *مجمع‌البیان* است.^{۱۰}

۲-۲- شیخ محمود شلتوت

شیخ محمود شلتوت از معدود متفکران و عالمانی بود که به وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اهتمامی ویژه داشت و در عرصه‌های گوناگون در این زمینه به فعالیت پرداخت. نگاه تبیینی شلتوت پیرامون اختلافات مذهبی و فرقه‌ای در موارد گوناگون قابل بررسی و تبیین است، از جمله: رویکرد تقریبی در تفسیر قرآن. یکی از کارهای بسیار مهم و پرارزش محمود شلتوت، پرداختن به تفسیر قرآن، عامل وحدت مسلمانان در مجله *رسالة الاسلام* بود. این تفسیر که با هدف تقریب نگارش یافت، به دور از کشمکشهای مذهبی طی چهارده سال در مجله *دارالتقریب* چاپ و منتشر شده است. وی این تفسیر را بهترین ثمره عمر خود می‌داند و می‌گوید:

به عقیده من، این کتاب بهترین افکار و آثار و بهترین پاداشی را که از طرف پرورگار آرزو داشتم، در بر دارد؛ چرا که بهترین چیزی که برای شخص با ایمان در نزد پروردگار به حساب می‌آید، جهد و کوشش خالصانه و بی‌شائبه است که در خدمت کتاب خداوند صرف نموده است.^{۱۱}

یکی از پژوهشگران در معرفی نقش تقریبی تفسیر محمود شلتوت و عاری بودن آن از تعصبات مذهبی و پرداختن به حل اختلافات مسلمانان، می‌نویسد:

این تفسیر، تفسیری برای همه مسلمانان است نه مذهبی معین از مذاهب فقهی و نه برای رنگی از رنگهای عقیده کلام و نه برای توجیه خاصی از توجیهات اهل ظاهر یا اهل باطن.^{۱۲}

وی کوشیده است تا آیات قرآن را که برخی از متعصبین افراطی از نص صریح و مفهوم اصلی خارج ساخته تا مذهب مورد نظر خود را توجیه نمایند، به راه اصلی خود یعنی راه وحدت و تقریب و همبستگی باز گرداند.^{۱۳}

با توجه به رویکرد تقریبی تفسیر شلتوت، می‌توان این تفسیر را در ردیف و سطح تفسیرهای تقریب‌گرا مانند تفسیر *تبیان* شیخ طوسی، *مجمع البیان* طبرسی، *روض الجنان* ابوالفتح رازی برشمرد که کارشان تقریب بین مذاهب اسلامی و کاهش اختلافات و تعصبات فرقه است. یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای تبیینی ایشان در مباحث تقریبی، جمع بین سنت و عترت است. این توجه در اثر جریان داشتن این قضیه به وجود آمده است که متأسفانه تعصب مذهبی و فرقه‌ای و برخی عوامل دیگر مسلمانان را به دو دسته تقسیم کرد و رو در روی هم قرار داد. اهل سنت گفتند: روایت «کتاب الله و سنتی» درست است و «کتاب الله و عترتی» وجود ندارد. در مقابل، شیعه امامیه گفتند: روایت «کتاب الله و عترتی» صحیح است و «کتاب الله و سنتی» درست نیست. از این‌رو، شیخ محمود شلتوت با اخلاص فراوان میان دو طریق حدیث ثقلین، یکی کتاب و عترت و دیگری کتاب و سنت، جمع کرد و به همه مسلمانان اعلام داشت که در واقع این دو یک چیزند و اهل بیت علیهم‌السلام کتاب گویا و سنت عملی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند و سنت از طریق عترت ثابت می‌شود.^{۱۴} از دیگر کارهای توضیحی محمود شلتوت درباره معارف شیعه و در مسیر تقریب مذاهب، نوشتن مقدمه بر تفسیر *مجمع البیان* طبرسی و معرفی آن به جهان اسلام است.^{۱۵} همچنین نقش تبیینی شلتوت، برای معرفی شیعه در کشورهای مصر و عربستان در منتشر کردن، کتابهای *الحج علی المذاهب*، *مختصر النافع*، *تذکره الفقهاء*، *وسائل الشیعه* و حدیث *الثقلین* از سوی انتشارات دارالتقریب قابل انکار نیست.

۲-۳- عبدالحسین شرف‌الدین عاملی

برخی از مصلحان و متفکران مسلمان در کنار مبارزه علیه استعمارگران بیرونی، تلاش کردند برای رفع اختلافات مذهبی و احیای اتحاد اسلامی به شفاف‌سازی بین شیعه و سنی روی آوردند و

از این راه میان آنان صلح و همسنگری برقرار نمایند و مسلمانان را متحد سازند. شرف‌الدین، به مثابه عالمی آگاه به زمان، روشن‌بین و آشنا به حقایق اصیل مکتب آسمانی اسلام، از روزگار جوانی، از اوضاع نابسامان و آشفته آن روز جوامع اسلامی و اختلافات بی‌په‌وده و تأسف‌بار مسلمانان رنج می‌برد. او نه تنها به اصلاح و سازندگی جوامع شیعی می‌اندیشید، بلکه از آغاز اقدام‌های اجتماعی و دینی خود، در اندیشه اصلاح و عزت‌بخشی به همه ممالک اسلامی و ایجاد اتحاد و برادری بین فرقه‌های مختلف مسلمانان بود. وی نیم قرن تمام با همه توان علمی و معنوی‌اش و با قلم، بیان و عمل صادقانه‌اش، در متحد ساختن امت محمد ﷺ کوشید و از هیچ سعی و تلاشی دریغ نورزید.^{۱۶}

کار علمی و تحقیقی مهم دیگری که شرف‌الدین در واپسین سالهای عمرش در مسیر تحقق وحدت اسلامی به انجام آن موفق شد، نوشتن کتاب مشهور و شگفت‌انگیز **النص و الاجتهاد** بود. این کتاب یکی دیگر از آثار وحدت‌آفرین شرف‌الدین است. در این کتاب، وی حدود صد مورد اجتهاد در مقابل نص (اعمال نظر شخصی در مقابل کلام صریح پیامبر ﷺ) را که خلفا، حاکمان و برخی از بستگان آنان، در زمان رسول خدا ﷺ یا بعد از رحلت آن حضرت مرتکب شدند، بر اساس کتاب‌های معتبر اهل سنت برمی‌شمارد و در مورد هر یک، آرای علمی، تحقیقی و منتقدانه خود را بیان می‌کند.^{۱۷}

نوشتن چنین کتاب ارزشمندی، در ادامه راه اصلاح و سازندگی فرهنگی امت جدش، آخرین کار جاویدان و حسن ختام یک عمر تلاش او برای خوشبختی و سعادت و وحدت مسلمانان جهان محسوب می‌شود. شرف‌الدین با سبک و روش خود، همواره همراه با استدلال منطقی و متین، بسیاری از تحریفات تاریخ اسلام را بر ملا کرده و در راه تحقق وحدت اسلامی و تقریب مذاهب تلاش طاقت‌فرسا نموده است.

۲-۴- محمدحسین کاشف‌الغطاء

یکی دیگر از مصلحان مسلمان که درباره احیای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی بی‌وقفه فعالیت کرده و در این راه رویکرد شفافیت‌سازی را دنبال نموده، مرحوم کاشف‌الغطاء است. ایشان نیز همچون شرف‌الدین کوشیده است با نوشتن کتاب‌های متعدد زمینه شناخت تشیع را فراهم کند و مسلمانان را از این راه به وحدت اسلامی فراخواند. در این میان، یکی از مهم‌ترین آثار وی که نقش اساسی در اتهام‌زدایی از شیعه داشت، کتاب **اصل الشیعه و اصولها** است، که مباحث پیدایش و گسترش تشیع، عوامل گسترش تشیع، اصول اعتقادی شیعه و احکام و مقررات اسلام از نظر شیعه به صورت متقن، مستدل و با بیان رسا تبیین شده است.^{۱۸}

کاشف‌الغطاء در راه تحقق بخشیدن به وحدت اسلامی و تقریب مذاهب تنها به نوشتن کتاب و مقاله و ایراد سخنرانی برای رفع سوءتفاهمات اکتفا نکرد، بلکه در عمل نیز پیشگام شد و

در کنگره جهانی اسلام،^{۱۹} در بیت المقدس در سال ۱۳۵۰ ق که شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کشورهای اسلامی از سراسر دنیا گرد آمده بودند، شرکت نمود و مشکلاتی را که فرا روی جهان اسلام قرار گرفته بود، تبیین کرد.^{۲۰}

۲-۵- سیدمحسن امین

یکی دیگر از مصلحان مسلمان، سیدمحسن امین، صاحب کتاب بزرگ *اعیان الشیعة*، نگاه تبیینی به اختلافات مذهبی داشته و کتابهای *اعیان الشیعة* و *لواعج الاشجان و المجالس السنية فی مناقب و مصائب* و رساله *التنزیه* را در مسیر همین امر مهم نوشته است. وی در *اعیان الشیعة* به خصوص در جلد اول با نگاه عالمانه و محققانه، تهمتهای ناروایی را که بعضی از برادران اهل سنت، خواسته و یا ناخواسته، به معارف شیعه روا داشته‌اند، مورد نقد و بررسی قرار داده و مسائلی مانند پیدایش مذهب شیعه، گسترش آن، مفسران شیعه، فقهای شیعه، متکلمان شیعه و... را به خوبی تبیین کرده است.^{۲۱} یکی از مهم‌ترین کارهای عملی وحدت‌گرایانه و تقریب‌نمایانه تبیینی سیدمحسن امین، انتخاب استادانی از برادران اهل سنت در مدرسه علویه، اذن به روش آنان در همان مدرسه و پذیرش دانش‌آموز اهل سنت است. تنها در چنین فضا و شرایطی ممکن می‌شود شیعی و سنی عقاید و معارف مذهب همدیگر را به طور عمیق درک کنند و احترام به اعتقادات یکدیگر را بیاموزند.^{۲۲} تلاشهای پیگیرانه، خالصانه و عاقلانه محسن امین، در مسیر تحقق بخشیدن به اتحاد مسلمانان که مورد قبول همه وطن‌خواهان سوری قرار گرفت، سبب گردید تا بعد از استقلال سوریه، حکومت، شیعه و سنی را به طور برابر در قدرت، علی‌رغم در اقلیت بودن شیعه، سهیم کند.^{۲۳}

۲-۶- شیخ محمدرضا مظفر

مرحوم مظفر به زیان شیوه‌های افراطی و تفریطی در مسائل اختلاف مذهبی، به طور کامل آگاهی داشت و کوشید راه معتدلی را در حل اختلافهای مذهبی و وحدت بین شیعه و سنی پیش گیرد و برای رسیدن به این هدف کتابهای *عقاید الامامیه و السقیفه* را به رشته تحریر در آورد. او درباره مسائلی مانند خداشناسی، پیامبرشناسی صلی الله علیه و آله، امام شناسی، مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام، معادشناسی، موقعیت پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر خلافت، تدبیر پیامبر صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از اختلاف، علی و خلفا و بیعت سقیفه، که معمولاً به عنوان سر آغاز اختلاف مطرح شده، به شفافیت‌سازی و ابهام‌زدایی پرداخته است. وی در مقدمه چاپ دوم کتاب *عقاید الامامیه* مهم‌ترین راه تقریب مذاهب را ابهام‌زدایی و تبیین حقایق و معارف مذاهب دانسته است.^{۲۴}

شیوه‌ای که مرحوم مظفر در نظر داشت و به آن نیز عمل کرد، بالا بردن سطح آگاهی توده مردم به وسیله اهل قلم و اندیشه‌وران با انصاف شیعه و سنی بود. وی معتقد بود که در این راه باید مباحثه‌ها و مناظره‌های سودبخش در فضایی آزاد به راه انداخت. نویسندگان منصف، اعم از شیعه و سنی، باید حقایق اسلامی را چنان که هست، بنگارند تا بدین وسیله گرایشهای تعصب‌آمیز از بین برود و مردم از تقلید بی‌اساس رهایی یابند. کاری که علامه مظفر در این جهت انجام داد، تألیف کتاب **السقیفه** بود که به دور از تعصب و در فضایی کاملاً دوستانه، رویداد شورای سقیفه را تحلیل و ارزیابی کرد. وی در ابتدای کتاب، ضمن اینکه «هوای نفس» و «ابهام وقایع تاریخی» را دو عامل مهم اشتباه مورخان در تحلیل و ارزیابی وقایع تاریخی معرفی کرد، بارها به خواننده کتاب **السقیفه** هشدار داد که این دو عامل را همیشه مدنظر داشته باشد و به دور از هرگونه تعصب و پیش‌فرض، کتاب یاد شده را مطالعه کند.^{۲۵}

۳- رویکرد تفکیک‌گرا

۳-۱- آیت‌الله سیدحسین بروجردی

متفکران و متکلمان شیعه همواره تأکید بر اصل امامت و خلافت داشته‌اند و جدایی امامت از خلافت را بر نتاییده و هر نوع نگاه انعطاف‌گرایانه در باب خلافت و امامت را غیر معقول شمرده‌اند. شاید یکی از علت‌هایی که متفکران شیعه مسئله خلافت و زعامت اسلامی را بیش از مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) مورد توجه قرار داده‌اند و همیشه از این منظر مشی اندیشمندان سنی را به نقد کشیده‌اند، نوع رویکرد اهل سنت به اداره جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. این تلقی از خلافت سبب گردید تا سرانجام امام از عرش خدایی به فرش بشری تنزل کند و از اوج اصلی و کلامی بودن به حضيض فرعی و فقهی شدن کشانده شود. این برداشت از امامت که به گمان بسیاری از متکلمان متقدم، قوامش بر تشکیل حکومت اسلامی است، در سده‌های اخیر با این پرسش مواجه شد که اگر مقوم امامت حکومت کردن است، تمام مدت حکومت امامان در عصر حضور بیش از پنج سال و اندی نیست. این در حالی است که شیعیان امامی بر اساسی مبانی خود معتقدند که هیچ‌گاه هستی خالی از امام و حجت نیست. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «ان الارض لاتخلو الاوفیها امام».^{۲۶} وقتی این پرسش فراروی اندیشمندان امامیه قرار گرفت، بسیاری از متفکران معاصر شیعه با توجه به نقش اختلافات مذهبی در عقب‌ماندگی سیاسی، اقتصادی و نظامی مسلمانان و کاهش اختلافات مذهبی، نگاه انعطاف‌گرایانه را در مسئله امامت و خلافت مطرح کردند و رویکرد تفکیک‌گرایانه را پیرامون ساخته‌های وظایف امام اتخاذ نمودند و بیان احکام دین را به عنوان مقام امامت مطرح ساختند.

آیت‌الله بروجردی یکی از کسانی است که فعالانه در زندگی عالمانه خویش خدمات فراوانی به همگرایی مذاهب اسلامی کرده است. وی با آگاهی عمیقی که از تاریخ اسلام، منابع اسلامی، مذاهب اسلامی و مشکلات عدیده جهان اسلام داشت، تنها به تقریب مذاهب علاقه‌مند نبود، بلکه به قول مطهری عاشق و دلباخته وحدت اسلامی بوده و همشیه مرغ دلش برای ترویج و گسترش اندیشه تقریب مذاهب اسلامی پر می‌کشید.^{۳۷} ایشان تنها به درک دردهای مسلمانان که همان تفرقه و تشتت است اکتفا نکرد، بلکه به طور جدی وارد عمل شد و در جهت تداوم این راه در دوره مرجعیت خود تا حد ممکن با «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» همکاری کرد. وی در این مدت با عبدالمجید سلیم و بعد از آن با محمود شلتوت روابط دوستانه داشته و نامه‌های زیادی مبادله نموده است.^{۳۸}

آیت‌الله بروجردی در حقیقت از پیشگامان و منادیان پر تلاش تقریب مذاهب اسلامی است که همواره بر تحقق آن اصرار ورزیده و آن را پیگیری کرده است. وی معتقد بود که سامان بخشیدن به «تقریب مذاهب» از وظایف حیاتی هر عالم شیعی است و باید در تحقق آن کوشید. ایشان حتی به توصیه و سفارش دیگران و ارتباط صمیمی داشتن با شخصیت‌هایی چون سلیم و شلتوت و تبادل نامه‌ها و پیام‌ها بسنده نکرد، بلکه خود در این راه فراتر از تصور معمول اندیشمندان شیعه و با رویکرد تفکیک‌گرایانه در قلمرو فعالیت‌های امام، نظریه جدید «مرجعیت علمی اهل‌بیت (علیهم‌السلام)» را برای حسن تفاهم مذاهب اسلامی و کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام ارائه کرد.

مسئله خلافت، امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا بکنیم، امروز چه نتیجه به حال مسلمین دارد که بدانند چه کسی خلیفه بود؟ آنچه که امروز به حال مسلمانان مفید است، این است که: بدانند احکام را باید از چه مأخذی اخذ بکنند.^{۳۹} به نظر ایشان منشأ وجود مذاهب مختلف، در اسلام این بود که مسلمانان پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) احکام اسلام را از غیر اهل‌بیت (علیهم‌السلام) گرفتند.

منظور آیت‌الله بروجردی فراموش کردن اختلافات اعتقادی و نیز جدایی دین از سیاست نیست، آن‌گونه که برخی گمان کرده‌اند؛^{۴۰} بلکه مراد ایشان شاید این باشد که نباید اختلاف عقیدتی را شمشیر بران کنیم و در کمین همدیگر بنشینیم و در هر فرصت پیش آمده از تخریب یکدیگر دریغ نورزیم و حتی شیعه شدن و سنی بودن را برای سرکوب کردن برگزینیم و از مبانی مذهبی به عنوان ابزار استفاده کنیم. این نوع برداشت از اختلاف اعتقادی نتیجه‌اش همان می‌شود، که شهرستانی پیرامون آثار آن می‌نویسد:

الخلاف الخامس: في الامامة، و اعظم خلاف بين الامة، خلاف الامامة اذ ما سل سيف في الاسلام على قاعدة دينية مثل ما سل على الامامة في كل زمان.^{۴۱}

شخصیت امام خمینی ره را از هر منظری که بنگریم اوج بلندای انسانی است. اما وجود وی به عنوان مظهر احیاگر بزرگ دین و مصلح اجتماعی در جهان اسلام از مهم‌ترین جهاتی است که به این شخصیت برجسته و درخشان عالم اسلام جایگاهی ویژه بخشیده است. امام خمینی ره با بینش وسیع خود، منادی اسلام زنده و پویا در اندیشه و عمل است. پیروزی انقلاب اسلامی، اساسی‌ترین ثمره سالها تلاش فکری و جهادی در عرصه احیای دین و اصلاح بخشی از جهان اسلام بود که در عمق، گستردگی و آثار با هیچ کدام از نهضت‌های صد ساله اخیر قابل مقایسه و سنجش نیست.

بر این اساس، تفکر و اندیشه امام ره بدون تردید تأثیر بسزایی در بیداری و وحدت مسلمانان جهان داشته است. از این رو، جهان اسلام در عصر حاضر مرهون تلاشها و رنج‌های امام و وامدار آرمان‌های والای اوست و هم اوست که اسلام ناب محمدی را مقابل اسلام آمریکایی قرار داده است. امام منادی ارتباط وثیق میان دین و سیاست و فراخواننده یکایک مسلمانان جهت تداوم وحدت و اخوت اسلامی است و اوست که برای اسلام مرز نمی‌شناسد. اگر امروز فریاد اسلام‌گرایی در فلسطین، لبنان، بوسنی و... بلند است، و اگر امروز صدها دانش‌پژوه بیش از هفتاد کشور جهان در جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله العالمية، مشغول به آموختن معارف اسلامی هستند، همه ناشی از اندیشه حضرت امام در اتحاد مسلمانان و دردمندی ایشان راجع به امور مسلمانان است.

جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم.

امام ره با توجه به خصوصیات منحصر به فرد خویش، همچون درک مسائل اسلامی و مشکلات جهان اسلام، آگاهی کامل به شرایط سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی، تحلیل صحیح و عالمانه از تحولات سیاسی جهان معاصر، شجاعت، ایثارگری و...، علی‌رغم تشکیل حکومت اسلامی در ایران، هیچ‌گاه خود را محدود به آن نکرد، بلکه همواره خویش را فریادگر مظلومان و ستم‌دیدگان علیه حاکمان مستبد و استعمارگران خون‌آشام می‌دانست و دولتها و ملت‌های مسلمان را به وحدت و یکپارچگی فرا می‌خواند.

امام ره سخت معتقد به وحدت مسلمانان - با قطع نظر از گرایش‌های مذهبی آنان - در مقابل استعمارگران و دشمنان اسلام بود و وحدت اسلامی را رمز پیروزی و موفقیت مسلمانان می‌دانست. ایشان هر حرکتی را که به تفرقه و تشتت صفوف مسلمانان و بهره‌برداری و استیلاي استعمارگران می‌انجامید، محکوم می‌کرد و با صدور فتاوی تقریب‌گرایانه و پیام‌های پیاپی

راههای عملی وحدت شیعه و سنی را بیان می‌نمود.^{۳۴} «در اسلام بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست، بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد.»^{۳۵}

امام در اثر نگرش وحدت‌جویانه و گرایش تقریب‌مدارانه و با توجه به شرایط زمان، همیشه بر وحدت دولتها و ملت‌های مسلمان تأکید می‌کرد و نگاه خاصی به مسئله امامت و زعامت داشت که معمولاً به عنوان اولین نقطه اختلاف برانگیز مسلمانان تلقی می‌شود. «امروز سر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اختلاف کردن خیانت به اسلام است و امروز این حرف‌ها را طرح نکنید.»^{۳۶}

رویکرد امام به خلافت و امامت، تفاوتی بنیادی و اساسی با نوع نگاه دیگر متکلمان امامیه دارد، زیرا اکثر اندیشمندان شیعه (امامیه) قضیه غدیر را اوج ابلاغ عظمت و بیان منزلت امام علی علیه السلام می‌دانند که با انحراف خلافت هیچ‌گونه وفاق اندیشی بین شیعه و سنی عاقلانه به نظر نمی‌رسد. اما امام خمینی رحمه الله با نگاه تفکیک‌گرایانه به پیام حدیث ثقلین و غدیر و شئون امامت، معتقد است که قضیه غدیر مسئله‌ای سیاسی بوده و شخصیت معنوی و الهی علی به وجود آورنده غدیر است. عظمت و شخصیت امام علی علیه السلام سبب گردید تا غدیر پیش آید و امام علیه السلام به زعامت مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله منصوب به نص گردد، نه آنکه غدیر عظمت علی را خلق کرده باشد.^{۳۷}

امام تنها در طول زندگی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خویش در نظر و عمل به تأکید فراوان درباره جایگاه والای حدیث ثقلین در منابع دینی بسنده نکرد، بلکه در وصیت نامه الهی - سیاسی خود اولین مسئله‌ای که توجه به آن را برای همه مسلمانان لازم و ضروری می‌داند، حدیث ثقلین است، زیرا این حدیث از جمله احادیث معتبر در منابع روایی شیعه و سنی و اثبات کننده مقام امامت - به تعبیر آیت‌الله بروجردی رحمه الله «مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام» - است. البته احتمال دارد که با توجه به روابط نزدیک، علاقه‌مندی شدید و احترام فراوان امام به آیت‌الله بروجردی، امام در این مسئله از طرز تفکر ایشان متأثر شده باشد.

...و ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمانان است و کتب اهل سنت از صحاح شش‌گانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر صلی الله علیه و آله به طور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجت قاطع بر جمیع بشر به ویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد برای علمای مذاهب نیست.^{۳۸}

۱۲۳

به نظر می‌رسد، تأکید ویژه امام بر حدیث ثقلین و نه حدیث غدیر در وصیت‌نامه، بیان کننده دو مطلب اساسی است که هر دو به همبستگی مذاهب اسلامی ارتباط می‌یابد. اولاً، این حدیث در نگاه شیعه و سنی معتبر و حجت است. و امام می‌کوشد مسلمانان را به مشترکات توجه دهد.

ثانیاً، شاید امام این حدیث را ناظر به مقامات معنوی اهل بیت علیهم السلام می‌داند که مقوم امامت است، یعنی امام اگر حاکم سیاسی هم نباشد، باز امام است.

۳-۳- سید محمدباقر صدر

محمدباقر صدر یکی دیگر از متفکران و نظریه‌پردازان اخیر امامیه است که پیرامون مسائل مختلف اسلامی اظهار عقیده کرده است. کتابهای *اقتصادنا* و *فلسفتنا* بهترین گواه بر این مدعاست. ایشان به روایت برخی آثار و نوع فعالیت‌های خود، توجه فراوان به مسئله وحدت اسلامی، تبیین نقش اهل بیت علیهم السلام در همگرایی جهان اسلام و بحث امامت داشته است.

وی در مبحث امامت به دو نکته اشاره کرده است: یکی مرجعیت فکری و دیگری مدیریت اجتماعی؛ با این تفاوت اساسی که مرجعیت فکری محدود به زمان حیات امام نیست و مستند به حدیث ثقلین می‌شود، ولی مدیریت اجتماعی کاملاً مقطعی بوده و زمان‌بردار توصیف می‌شود و دلیل آن نیز حدیث غدیر دانسته می‌شود.^{۳۹}

شهید صدر گرچه مثل آیت‌الله بروجردی رحمته الله علیه به طرح نکردن مسائل اختلافی تصریح نکرده، اما نگاهی تفکیکی را در باب امامت پذیرفته است. به نظر می‌رسد که منظور صدر از «مرجعیت فکری» همان مرجعیت علمی و منظور از «مدیریت اجتماعی» همان حکومت اسلامی است.

۳-۴- مرتضی مطهری رحمته الله علیه

شهید مطهری از اسلام‌شناسانی است که در احیاء گوه‌ر دین، با توجه به نیازها و خواسته‌های جهان امروزی، به نظریه‌پردازی پرداخته و آثار فراوانی از خود برجای گذاشته است. ایشان با تفکر قوی و نیرومند یک‌تنه در میان دو حرکت تعصب‌آمیز ایستاده بود و شجاعانه مقاومت می‌کرد. از یک سو با قشری‌گرایانی مباره می‌کرد که دریافت جدید اسلامی را که با اندوخته‌های ذهنی آنان منطبق نبود، تحت عنوان بدعت و انحراف به شدت می‌کوبیدند و حتی تحمل نظر مخالف در یک مسئله اختلافی را هم نداشتند و از سویی دیگر، با مدعیانی در ستیز بود که به نام اسلام انقلابی هر تأویل و تفسیر نابجایی در مفاهیم اسلامی را روا می‌شمردند و با گستاخی و بی‌پروایی به نام اسلام و قرآن سخن می‌گفتند.

شهید مطهری در تمام عرصه‌های علوم اسلامی تبحر داشته و در همه زمینه‌ها آثار ارزشمندی از خود بر جا گذاشته است. یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی که وی بدان توجه بسیار کرده، موضوع اخوت اسلامی و تقریب بین مذاهب است. ایشان در آثارش به ابعاد مختلف مسئله وحدت و نزدیک کردن مذاهب اسلامی پرداخته و رویکردهای متفاوتی را در باب وحدت به نقد کشیده است.

وی که مانند استادانش امام خمینی رحمته الله علیه و آیت‌الله بروجردی رحمته الله علیه اسلام را با تمام وجود لمس کرده بود^{۴۰} و طرز نگرش شیعه و سنی را در مبحث خلاف و امامت سر آغاز اختلاف می‌دید،

می‌کوشید، تا با نگاه کاملاً عقلانی و به دور از دخالت دادن احساسات و عواطف و به صورت منصفانه، ابتدا شئون نبوت و سپس وظایف امامت را تبیین کند و نگاه تفکیکی به خلافت و امامت و حدیث ثقلین و غدیر داشته باشد.

مطهری در پاسخ به انتقاد کسانی که طرح بحث امامت را مانع وحدت اسلامی می‌دانند، و نیز افرادی که مسئله خلافت و امامت را به صورت سرگرمی درآورده‌اند و احساسات را تیز و برنده نگه می‌دارند و عقلها را سیراب نمی‌کنند، می‌گوید:

این مؤسسه^{۴۱} هرگز مایل نیست موضوع اساسی خلافت و امامت را طبق معمول وسیله سرگرمی قرار دهد، و هرگز هم حاضر نیست از طرح محققانه و عالمانه آن چشم‌پوشد و هرگز هم طرح عالمانه و محققانه و منصفانه آن را با حمایت از تر اتحاد اسلامی منافعی و مغایر نمی‌داند.^{۴۲}

مطهری اسلام‌شناس متعهد و متعبدی است و مطالعه عمیق در منابع دینی داشته است. این سخن وی نشان‌دهنده این است که گاهی نگاه احساسی به امامت در میان شیعیان وجود دارد و شاید همین نوع رویکردهای احساس‌مدارانه در گسترش اختلافات مذهبی اثر گذاشته و زمینه‌های دیرینه را بین شیعه و سنی فراهم کرده است. این دین مقدس بیش از هر چیز، از طرف برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند.^{۴۳}

شهید مطهری^{رحمه‌الله} مساوی دانستن امامت و حکومت را بزرگ‌ترین اشتباهی می‌داند که احياناً برخی متکلمان شیعه مرتکب شده‌اند و اکنون نیز تکرار می‌شود.^{۴۴} وی با این تعبیرها که «حکومت از فروع و یکی از شاخه‌های خیلی کوچک مسئله امامت است» و «در مسئله امامت آنچه در درجه اول اهمیت است، مسئله جانشین پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} در توضیح و تبیین و بیان دین منهای وحی است» می‌خواهد بگوید: مقوم امامت توضیح و بیان دین منهای وحی است که همان مرجعیت علمی باشد. ایشان معتقد است: «اگر مسئله امامت در همین حد می‌بود، یعنی سخن فقط در رهبری سیاسی مسلمانان بعد از پیغمبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} بود، انصافاً ما هم که شیعه هستیم امامت را جزء فروع دین قرار می‌دادیم نه اصول دین.»^{۴۵} و «اساس مسئله در باب امامت آن جنبه معنوی است.»^{۴۶}

ایشان درباره جایگاه حدیث ثقلین و اهمیت آن در منابع اسلامی و برخی استفاده‌های نادرست از آن در میان شیعه که شاید همین نوع برداشت در ترویج اختلاف مذهبی اثربخش بوده و هنوز هم ادامه دارد، می‌گوید:

برخی منبریها و روضه‌خوانها این حدیث را خراب کردند چون همیشه آن را مقدمه گریز زدن برای مصیبت خواندن قرار داده‌اند. انسان خیال می‌کند که مقصود پیغمبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} در این حدیث فقط این بوده که من بعد از خود دو چیز را در میان شما باقی می‌گذارم یکی قرآن که احترامش کنید و دیگری عترت که احترامشان کنید و به ایشان اهانت نکنید. در

حالی که مقصود این نیست. یکی قرآن که به آن مراجعه کنید و دیگری عترت که به آنها مراجعه کنید.^{۴۷}

به راستی وقتی به تاریخ بنگریم و تعامل امام علی (علیه السلام) با خلفا را به خاطر حفظ مصالح اسلام مشاهده کنیم و رویه امام صادق (علیه السلام) با برخی رؤسای مذاهب فقهی را ببینیم، جای این پرسش همیشه باقی می ماند که اهل بیت (علیهم السلام) را برای چه می خواهیم. آیا واقعاً ما مثل آن جمله معروف «کاسه از آش داغ تر» نشده ایم؟!

امام خمینی (رحمه الله) معتقد است که نصب تنها در زعامت و حکومت مورد قبول است و مطهری اعتقاد دارد که ریاست عمومی همان حکومت است. از طرف دیگر، متکلمان پیشین شیعه در تعریف امامت معمولاً «ریاست عمومی در امور دین و دنیا به نیابت از نبی»^{۴۸} را می آورند و برای اثبات امامت مسائلی مانند وجوب نصب امام، منصوص بودن آن و برخی مباحث پیرامون خلفا را مطرح می کنند و گاه از حدیث ثقلین در مبحث امامت استفاده نمی کنند.^{۴۹} می توان این گونه نتیجه گرفت که بحثهای قدما در باب امامت بیشتر ناظر به امامت به معنای حکومت بوده است. همان گونه که قبلاً نیز مطرح شد، قطعاً نگرش اهل سنت در باب امامت در توجه بیشتر متکلمان شیعه به این برداشت از امامت اثربخش بوده است.

۳-۵- ولی امر مسلمانان جهان

حضرت آیت الله خامنه ای که خود از شاگردان و تربیت یافتگان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و دل سوزان اسلام و جهان اسلام است، همیشه در موارد گوناگون و بیانات متعدد توجه ویژه به موضوع وحدت و تقریب مذاهب اسلامی داشته است. یکی از اساسی ترین کارهای عملی ایشان در راه اتحاد اسلامی، تشکیل «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» و همین طور «دانشگاه مذاهب اسلامی» در تهران و نامگذاری سال ۸۶ به نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. وی به همین مناسبت در پیام حکیمانه خویش می گوید: «انسجام اسلامی یعنی ملت های مسلمان با هم همراه باشند».^{۵۰}

در عرصه های نظریه پردازی نیز ایشان در حوزه های سیاسی و اعتقادی با توجه به جایگاه وحدت و تقریب در عصر حاضر، دارای دیدگاه های گوناگون است. ایشان بارها به مناسبت های مختلفی پیرامون نقش محوری اهل بیت (علیهم السلام) در ایجاد وحدت بین مسلمانان سخن گفته است:

مهم این است که دنیای اسلام می تواند بر محور دو نقطه مربوط به اهل بیت، اتفاق و اتحاد داشته باشد؛ یکی محبت است که یک امر عاطفی و عقیدتی است و مسلمانان به محبت اهل بیت (علیهم السلام) امر شده اند و همه آن را قبول کرده اند. این نقطه می تواند نقطه تمرکز عواطف و احساسات همه مسلمین باشد. نقطه دوم، آموزش دین و تعلم معارف و احکام الهی به مثابه عدل قرآن و به موجب حدیث ثقلین است، که باز این حدیث را شیعه و سنی و فرق مختلف اسلامی روایت کرده اند. این چیز مهمی است که برافراشتن

طهری

سال هفتم - شماره ۲۶ - تابستان ۱۳۸۷

پرچم اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام، حقیقتاً می‌تواند دنیای اسلام و مسلمین را از این دو نقطه نظر گرد هم مجتمع کند. امروز این فرصت عظیم در اختیار همه مسلمین است؛ مخصوصاً آنهایی که مکتب اهل بیت را در عمل تحقق بخشیده‌اند و ایماناً و عملاً به آن متصل شده‌اند.^{۵۱}

رهبری دو نوع رویکرد را به اهل بیت علیهم‌السلام باعث اتفاق مسلمانان می‌داند: یکی نگاه عاطفی و دیگری علمی. از نظر ایشان متفکران شیعه باید با این نگرش به امامت، معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را در جهان اسلام بیان نمایند.

امروز اختلافات را نباید زنده کرد؛ نباید برجسته کرد. نباید فرق اسلامی مقدسات یکدیگر را - که نقطه حساسیت‌زای هر فرقه‌ای همان بخش مقدساتش است - مورد اهانت قرار بدهند. روی نقاط حساس یکدیگر انگشت گذاشتن و فشار آوردن، معلوم است تحریک‌کننده است؛ این به اختلاف دنیای اسلام منتهی می‌شود؛ این اختلاف نباید باشد. حرف ما این است.^{۵۲}

به نظر می‌رسد پیام این جمله رهبری «امروز اختلافات را نباید زنده کرد؛ نباید برجسته کرد»، همان نکته آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله که گفته است «مسئله خلافت، امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا بکنیم.»

یک بُعد دیگر این است که توجه داشته باشیم امیرالمؤمنین با این موقعیت، با این وضوح معنای امامت آن بزرگوار که منصوب پیغمبر و منصوب الهی است، آن وقتی که ملاحظه کرد و دید که جامعه اسلامی آسیب‌پذیر است و اگر او بخواهد دنباله این حق را بگیرد و مطالبه کند، ممکن است اسلام به خطر بیفتد، کنار نشست. این هم یک مسئله مهمی است. نه فقط کنار نشست - یعنی ادعا را مطرح نکرد که اختلاف و شق عصای مسلمانان نشود - بلکه همکاری کرد با کسانی که به نظر امیرالمؤمنین علیه‌السلام صاحبان منصب حق نبودند - که بر جامعه اسلامی حکومت می‌کردند - چون دید که امروز اسلام به این احتیاج دارد؛ فداکاری. این هم یک درس دیگر است برای ما. این هم درس غدیر است، درس علوی است.^{۵۳}

جمع‌بندی

با توجه به مقایسه رویکردهای سه‌گانه و ویژگیهای هر یک از آنها، می‌توان رویکردهای تبیینی و تفکیکی را به عنوان بهترین راهکار وحدت و تقریب مذاهب اسلامی برشمرد و آنها را مکمل یکدیگر دانست و فتوای تاریخی شلتوت مبنی بر جواز پیروی از مذهب جعفری را در ازهر، پیامد آن دو نوع نگرش به مسائل اختلافی تلقی کرد.

۱. شرف‌الدین عاملی، عبدالحسین، *الفصول المهمة في تأليف الائمة*، ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی، نشر مطهر، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۱۰-۱۱؛ مطهری قزوینی، مرتضی، *شش مقاله*، انتشارات صدرا، چ ۱، ۱۳۶۳، ص ۲۱.
۲. اقتباس و تلخیص از: موتقی، احمد، *جنبشهای اسلامی معاصر*، ص ۹۳.
۳. تفاوت وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی در این است که طرح وحدت سیاسی است و تقریب یک طرح علمی و پژوهشی است که یکی از آثار آن می‌تواند وحدت سیاسی باشد. برای مطالعه بیشتر: ر.ک: واعظ‌زاده خراسانی، محمد، «راههای تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان»، *فصلنامه مطالعات اسلامی*، ش ۶۰، ص ۲۱.
۴. البته برخی از پژوهشگران، مانند سیدمحمد محیط طباطبایی، معتقد است که سیدجمال‌الدین اولین فرد اتحادگرا نیست، بلکه نادر قبل از او، طرح وحدت را مطرح کرده است.
۵. سیدجمال‌الدین، مقدمه محمد عبده، *العروة الوثقی*، بیروت، دارالکتب العربی، ص ۱۳.
۶. صاحبی، محمدجواد، *سیدجمال‌الدین بنیانگذار جبهه اتحاد اسلامی*، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی (مجموعه مقالات)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۴.
۷. رویکرد سیاسی در این پایان‌نامه *برداشت‌هایی از تقریب مذاهب اسلامی* به صورت مفصل و مستدل مورد نقد قرار گرفته است.
۸. شرف‌الدین، علامه سیدعبدالحسین، *حق‌جو و حق‌شناس* (ترجمه المراجعات)، ترجمه محمدجعفر امامی، گزینش و بازنویسی، علی‌اصغر موروجی خراسانی، بنیاد معارف اسلامی، چ ۷، ۱۳۸۳، ص ۲۱.
۹. تهرانی، آقا بزرگ، *تقیاء البشر في القرن الرابع عشر*، دارالمرتضی للنشر، چ ۲، ج ۳، ص ۱۰۸۲؛ خفاجی، محمدعبدالمعین، *الازهر في الف عام*، بیروت، مکتبة کلیات الازهریة، القاهرة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۰۷؛ بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *همبستگی مذاهب اسلامی* (مقالات دارالتقریب)، تهران سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۸ و ۳۷.
۱۰. ر.ک: بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *همبستگی مذاهب اسلامی* (مقالات دارالتقریب)، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۴۱۴.
۱۱. شلتوت، محمود (مقدمه قصه التقریب)، *مجله رساله الاسلام*، سال ۱۴، ش ۲، ص ۱۹۷.
۱۲. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *شیخ محمود شلتوت طلایه دارتقریب*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۳۹.
۱۳. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *شیخ محمود شلتوت طلایه دارتقریب*، ص ۴۰.
۱۴. *مجله رساله الاسلام*، سال ۲، ش ۱، ص ۲۳.
۱۵. همان، سال ۱۰، ش ۳، ص ۲۳۱. ر.ک: خفاجی، محمدعبدالمعین، *الازهر في الف عام*، ج ۳، ص ۴۴۳؛ *مجله رساله الاسلام*، سال ۱۰، ش ۳، ص ۲۴۱.
۱۶. قلی‌زاده، مصطفی، *شرف‌الدین چاووش وحدت*، صص ۸۵ - ۸۰ و محمدرضا حکیمی، شرف‌الدین، صص ۱۳۸-۱۳۶؛ دکتر مرضیه بهبهانی «علامه شرف‌الدین عاملی؛ وحدت‌گرای مبارز»، *مجله اندیشه تقریب*، ش ۱، ص ۱۰۴.
۱۷. *شرف‌الدین النص والاجتهاد*، قم، ابومجتبی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲-۱۳۷.

۱۸. کاشف الغطاء، محمد حسین، **شخصیت و اندیشه‌هایی کاشف الغطاء** (الآیات البینات)، به کوشش: دکتر احمد بهشتی، چاپخانه امیر، چ ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۰.
۱۹. رشیدرضا و علامه اقبال لاهوری نیز در کنگره حضور داشته‌اند.
۲۰. **گلشن ابرار**، تهیه و تدوین: گروهی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، قم، نشر معروف، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۳۳.
۲۱. امین، سیدمحسن، **اعیان الشیعة**، بیروت، ۱۹۵۱، ج ۱، ۲۰-۱۹۲؛ **گلشن ابرار**، ج ۲، ص ۶۱۱.
۲۲. همان، ص ۶۱۵.
۲۳. **مجله اندیشه تقریب**، ش ۷، ص ۱۰۶.
۲۴. مظفر، محمدرضا، **عقاید الامامیه** (عقاید و تعالیم شیعه)، ترجمه محمد مجتهدی شبستری، قانون انتشارات محمدی، ۱۳۴۷، ص ۵۰.
۲۵. **مجله اندیشه تقریب**، ش ۴، ص ۱۲۴؛ ر.ک: **اسرار سقیفه** (ترجمة السقیفة)، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، قم، انتشارات شفق، چ ۱، ۱۳۵۰، ص ۱۷.
۲۶. کلینی، محمد یعقوب، **اصول کافی**، ج ۲، ص ۵۰.
۲۷. مطهری، مرتضی، **تکامل اجتماعی انسان**، انتشارات صدرا، چ ۷، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵.
۲۸. خسروشاهی، سیدهادی (ایران و مصر در راه تقریب)، **استراتژی تقریب مذاهب اسلامی** (مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی)، ص ۴۸۶.
۲۹. **چشم و چراغ مرجعیت**، (مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته)، به کوشش: مجتبی احمدی، عبدالرضا ایزدپناه، حسین شرفی، سیدعباس صالحی، محمدحسن نجفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۲۰؛ **مجله حوزه**، ش ۴۳-۴۴، ص ۲۲۳، مطهری، مرتضی، **اسلام و مقتضیات زمان**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲، ص ۹۹ و ۹۹.
۳۰. **چشم و چراغ مرجعیت**، ص ۲۰۲.
۳۱. ر.ک: لباف، علی، **مظلوم گمشده در سقیفه**، چ ۱، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۳.
۳۲. شهرستانی، عبدالکریم، **الملل والنحل**، بیروت، دار و مکتبه الهلال، چ ۱، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۳۰.
۳۳. از بیانات حضرت امام نقذ، ۲۹، ۴، ۶۷ (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی نقذ و احیای تفکر دینی)، ج ۲، ص ۱۵۸.
۳۴. همان، همراه با حواشی، ص ۴۲۷.
۳۵. شهرامی، بیژن، «اعتقاد به ضرورت همبستگی مذاهب اسلامی»، **مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی نقذ و احیای تفکر دینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی نقذ**، چ ۱، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۶۲؛ **صحیفه نور**، ج ۵، ص ۳۴۶.
۳۶. **وحدت از دیدگاه امام خمینی نقذ**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی نقذ، چ ۱، خرداد ۱۳۷۶، ص ۱۰۳.
۳۷. **صحیفه نور**، ج ۲۰، ص ۱۱۳-۱۱۲.
۳۸. **وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی**، تهیه و تنظیم: رسول سعادت‌مند، ص ۱۴ و ۱۵.
۳۹. صدر، محمدباقر، **بحث حول الولاية**، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الثانية، ۱۳۹۹ق، ص ۸۴ - ۸۲.

۴۰. منظور حسینیّه ارشاد است.
۴۱. امامت و رهبری، ص ۲۲.
۴۲. مطهری، مرتضی، عدل الهی، صدرا، ۱۳۶۷، ص ۸-۱۰.
۴۳. امامت و رهبری، ص ۶۷-۷۱.
۴۴. همان، ص ۵۰.
۴۵. همان، ص ۷۳.
۴۶. همان، ص ۸۳.
۴۷. میلانی، سیدعلی، الامامة فی اهم الكتب الکلامية وعقيدة الشيعة الامامية، ص ۴۴ (نقل از علامه حلی، و مقداد سیوری).
۴۸. رک: علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۸۱-۲۸۰.
۴۹. سبزیان، علی اکبر، منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، انتشارات خادم الرضا علیه السلام، چ ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۴.
۵۰. سخنرانی در دیدار با میهمانان و شرکت کنندگان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام
www.leader.ir، ۱۳۶۹/۰۳/۰۴
۵۱. بیانات در دیدار با گروههای مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم، ۸/ ۱۰/ ۸۶
www.nahad.net.
۵۲. همان.

طهری